**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**بررسی و نقد شیوه استنباطی منتقی الاصول**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه پنجاه و چهارم\_1 بهمن 1398**

مبنای منتقی الاصول در مورد انسداد مبنایی است دقیق و قابل تامل زیاد، به این نتیجه رسیدیم که این بزرگوار معتقد است وجه رجوع به اخبار آحاد چیزی جز احتیاط نیست و دائره احتیاط هم در واجبات است و محرماتو دایره اخبار هم کتب معتبره روایی. این عصاره مبنای ایشان. خود این بزرگوار اشکالی را مطرح می کنند مهم و ان اشکال را پاسخ می دهند و ان این است که مراجعه به روایات بالاخره همراه است با حمل مطلق بر مقید، این امر واضحی است که مطلقات باید مقید بشود. همراه است با تخصیص عام این هم واضح است.شما که از راه احتیاط فقط به باید و نباید اکتفا می کنید چطور تقیید و تخصیص می زنید. معنای تقیید این است: اکرم العالم، لا تکرم العالم الفاسق. خب در چنین جایی به اکرم العلماء می خواهید تمسک کنید یا تقیید بزنید؟ آیا اکرام نکردن عالم فاسق خلاف احتیاط نیست؟ احتیاط اقتضا می کند که همه علما را اکرام کنید به چه دلیل شما تقیید یا تخصیص می زنید. مقیِد یا خاص نفی تکلیف می کند از یک عده و نفی تکلیف با وجود تکلیف عام خلاف احتیاط است و شما هم می خواهید از باب احتیاط به روایات متمسک بشوید.

این دو مورد.

مورد سوم، یکی از حمل های بسیار رایج در فقه که ریشه اصولی هم دارد ان جایی است که یک روایت ظهور در وجوب دارد، و یک روایت نفی وجوب بکند. از نظر اصولی می گویید به نص این که گفت لا باس بترک دست از ظهور ان بر می دارید می گویید نماز جمعه مستحب است ایا این کار خلاف احتیاط نیست؟ شما که می خواهید از راه احتیاط با روایات معامله کنید این سه را چه جواب می دهید.

ایشان جوابی می دهد که هیچ کدام از این ها برای من مانعی ندارد و من هم مثل فقیه انفتاحی که اخبار را از غیر راه انفتاح مدرکیت برایش قائل است همه این کارها را انجام می دهم و جوابش هم این است که نه مقید و نه خاص برای من حجت است و نه عام و نه مطلق. هیچ کدام برای من حجت نیست. و انما یوخذ بالمطلق و العام من باب الاحتیاط و مع احتمال صدور المقید لا یبقی لنا علم بکون المراد الجدی للمطلق علی تقدیر صدوره هو الاطلاق، فالقدر المتقین المعلوم ارادته من المطلق علی تقدیر صدوره هو غیر موارد المقیدات الواردة

توضیح ذلک؛ کسی که مثل ایشان انسدادی می شود و از راه احتیاط به اخبار مراجعه می کند نه مطلق برایش حجت است نه عام و نه عام و نه خاص ولی انی که هست اگر بنا باشد مطلقی صادر شده باشد انی که قطعا مراد جدی امام است این است که با توجه به مقید بسنجیمش در غیر مورد تقیید. آن­چه بر فرض صدور مراد جدی مولا هست این است که ان اطلاق را با مقیدش بسنجیم در غیر موارد تقیید. اگر گفت اکرم العالم بعد گفت لاتکرم العالم الفاسق، قدر متیقم عالم غیر فاسق است. این مراد جدی اوست. به عبارت دیگر ما علم اجمالی داریم به ثبوت احکام، فی ضمن الاخبار. چه جوری باید این ها را بفهمم؟ به وسیله الفاظ. الفاظ را چگونه می فهمم ؟ با مراد جدی.

هر جا که علم داری به این که این مراد جدی است بله. فرض این است که ما علم هم نداریم و می خواهیم از راه احتیاط بیاییم. پس هر از آن چیزی که به حسب ظهور و به حسب کشف مراد جدی را می رساند ان را عمل کن لا کل ما یحتمل انه مراد المولی و لو لم تکن ظاهرة فیه. معنای احتیاط این نیست که هر چیزی را که احتمال می دهی مولا خواسته انجام بدهی. هر چیزی را که احتمال می­دهی مراد جدی و واقعی مولا از این الفاظ است.

ایشان می گوید تو می خواهی احتیاط کنی. احتیاط دو جور است. یک وقت می خواهی منهای اخبار احتیاط کنی احتمال می دهی پیش خودت که فلان کار لازم است انجامش می دهی از باب احتیاط و کاری هم با روایات نداری. این هما چیزی است که می گویند مثل امن باب رجا انجا بده. احتیاطی که ما می گوییم در دائره روایات است ان هم در کتب معتبره. روایات هم در غالب الفاظ بیان شده است. تو باید هر ان چیزی که احتمال می دهی ظاهر کلام مولا این است ان را انجام بدهی. نه هر چیزی که احتمال می دهی مراد مولاست ولی ظهوری نادشته باشد. وقتی شما یک خبر مطلق داری و یک خبر مقید، یقین نداری که دیگر مراد واقعی مولا اطلاق است پس فلا یجب الاحتیاط الا فی غیر موارد التقیید

اما نسبت به ان مورد سوم که یک روایت گفت صل صلوة الجمعه ودیگری گفت لا باس، در این جا باید گفت اگر ما نداشتیم لا باس بترک صلاة الجمعه احتیاط در خواندن نماز جمعه بود ولی ما باید در چیزی احتیاط کنیم که از نظر الفاظ احتمال بدهیم مراد جدی مول است. آیا با وجود لا باس بترک صلوة الجُمُعه می توانید بگویید مراد جدی مولا وجوب جمعه است پس ان جا از دایره احتیاط خارج می شود.

خلاصة لکلام احتیاط در احکام دایر مدار فهم عرفی و ظهرو اخبار است در بیان مرادات جدی.

این یک مشکله حل شد.

یک مشکله دیگر. آقایانی که خبر واحد را حجت می کنند با خبر واحد مطلق کتاب را تقیید می زنند و مشکلی هم ندارند چون خبر واحد حجت است. شما که خبر را حجت نمی دانید. پس چگونه اطلاقات و عمومات قرآن را تقیید و تخصیص می زنید.

ایشان می فرماید اولا ما می دانیم به نحو اجمال به این که برخی از مطلقات و عمومات کتاب مجید تخصیص و تقیید خورده است و ذلک مما یسقطها جمیعها عن الحجیة.

پس ظاهر اولیه این است که همه این عمومات از حجیت بیفتد.

لعدم التمییز المقید منها عن غیره فالعلم الاجمالی مانع من اجراء اصالة الظهور فیها (در عمومات و اطلاقات)

تا همین جا تمامش کرد من باید ادامه بدهم:

تقیید زدن مطلقات وقتی است که خود مطلق حجت باشد. تخصیص زذن عام وقتی است که عام حجت باشد وقتی شما از بیرون می دانید عمومات و اطلاقات کتاب کریم تخصیص و تقیید خورده است. هر جا را که می دانید تخصیص و تقیید است خب. ولی فرض این است که ما چنین چیزهایی نداریم و نمی توانیم مقید ها و مخصص ها را دقیقا بشناسیم. این علم اجمالی باعث می شود که ان اطلاقات و عمومات از حجیت بیفتد. جای تقیید نداریم.

حال شما آیات را بگذار کنار و شمایید و احکام مقید در روایات و به ان ها عمل می کنید. به عبارت اخری نتیجه شد همان تقیید. منتها ما نیامدیم تقیید بزنیم اطلاقات را از حجیت انداختیم.

ثانیا اگر هم تنزل کنید این مشکل مشکل مهمی نیست اذ لیست ظهورات الکتاب المصادمة للاخبار بتلک الکثرةبنحو یکون العمل بهاموجبا لتاسیس فقه جدید. فتدبر و اعرف.

اولا که حلش کردیم ثانیا این مشکل مشکل فراگیری نیست این توضیح با اضافات و دسته بندی کامل از فرمایش منتقی الاصول لنا فی کلامه مناقشات در حایل که اساس مبنای ایشان را قبول داریم. ان شاء الله جلسه بعد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.